

ادامه از صفحه ۱۲

سرسپرده نیستم

مهم نیست درباره ما چه قضائتی می‌شود، اما در برابر قضائتی که درباره کاراکتر و زمانه فیلم می‌شود، مسئول هستیم.

۱۲ به قول زنده‌باد عباس کیارستمی، اگر آن‌قدر فیلمت را محدود کنی که بخواهی موردپسند عده‌ای محدودی قرار بگیری، درنهایت همان طیف را هم نمی‌توانی جذب کنی.

معمولا همین‌طور است. نگاه من به نسلی بوده که در کنار آنها رشد کرده و درس خوانده‌ام. قبل از اکران فیلم، نمایش‌های متنوعی داشتیم و مهم‌ترین برای من نمایشی بود که برای دانش‌آموزان دبیرستان مفید گذاشته بودیم. برایم مهم بود که بینم این نسل چطور فکر می‌کنند. البته گروه‌های دیگری را هم برای نمایش فیلم آوردیم- و باور کنید جاهایی از فیلم را اصلاح کردم، برای اینکه آنها فیلم را درک و با قهرمان فیلم ارتباط برقرار کنند. به نظر می‌آید جفایی که درباره گذشته خودمان می‌کنیم فقط در مورد جنگ نیست.

۱۲ نگاه جالب برای من این است که قهرمان داستان فیلم ظاهر و اخلاقی جذابی ندارد و اوج تلاش این است که با چنگال دنبال دوستش می‌دود و او را کمک می‌زند. حتی در فیلم هم نخواستید او را خاص نشان دهید و کل شخصیت را درون قالب به نمایش گذاشتید. اما چطور شد احمد متوسلانی این‌قدر سیامت و باصلاح دخترکش شد؟

(می‌خندد) زمانی‌که فیلم آماده می‌شد به دوستانم گفتم دخترها عاشق این شخصیت می‌شوند. این شخصیت چیزی در درونش دارد که از جنس قهرمان‌های وسترن است. مثل قهرمان‌هایی که فقط سوار بر اسب هستند و واکنش‌های عجیبی که گاه از خود نشان می‌دهند، روز ناگهانی آن چیزی است که در درون‌شان است؛ آدم‌های عمیق و تودار و چیزی که زن‌ها دوست دارند کشف و تصاحب‌شان کنند. روایت ما به لحاظ سبک خیلی متفاوت است ولی از داشته‌های سینما استفاده می‌کند. می‌توان گفت فیلم ما یک نوع وسترن است.

۱۲ یعنی کانسیبت قهرمان‌سازی را دربر می‌گیرد، بدون اینکه بخواهد قهرمانی را به رخ بکشد؟
حتی به لحاظ طبیعت‌گرایی و تنهایی قهرمان‌مان و آدم‌هایی که اطرافش هستند. البته واقعا پراختن به زنان در سینما واقعا سخت است. سعی می‌کنم در فیلم‌هایم از زنان کمتر استفاده کنم هرچند می‌دانم چیز بزرگی را از دست می‌دهم. با اینکه جایی برای زن پیدا شود که بتواند بروز کند.

۱۲ چرا؟

چون زن در سینمای ایران امکان اینکه خودش را نمایش دهد، ندارد. ما با چیزی طرف هستیم که باید در پرده سینما تجلی پیدا کند. زن در سینما ما نمی‌تواند خیلی تجلی پیدا کند. به‌عنوان فیلم‌ساز باید از شکل تصنعی‌ای از زن که در سینمای ما درست شده استفاده می‌کردم منتها تصویری از زن در سینمای ما شکل گرفته که غیرواقعی است. اصلا یکی از فیلم‌سازان محبوب من در ایران اصغر فرهادی است. اما احساس می‌کنم در فیلم‌های او هم زنان خیلی امکان بروز ندارند.

۱۲ چرا به سینمای فرهادی علاقه دارید؟

چون در فیلم‌های آقای فرهادی یک نوع آزادیگی وجود دارد و می‌بینید آن زن همچنان در یک بند و حصار است. مثلا به روسری لایلا حاتم‌ی در «جدایی نادر از سیمین» دقت کنید، یک نفر می‌گفت آنها در حال اسباب‌کشی هستند و روسی‌اش را این‌طور بسته است. گفتم این‌ها همه تلاش ماست برای اینکه بگوییم شترسواری که دولاودلا نمی‌شود. باید فکری به حال این وضعیت کرد. با سینما می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم. تجربه سه، چهار ماه اخیر برای اکران به من ثابت می‌کند ما سینمای واقعی نداریم. داشتش خیلی هم سخت نیست. اگر خواهان سینمای واقعی هستیم دست‌کم باید ۱۰ برابر سینمای کنونی، سالن سینما داشته باشیم- و اصلا عجیب نیست. سینما می‌تواند اقتصاد خودش را اداره کند. اما دیگر نمی‌توان برایش تعیین تکلیف کرد.

۱۲ چرا از صداهای واقعی استفاده کردید؟

مردم ما فیلم هندی را می‌بینند و با آن همه صحنه‌های غیرواقعی باور می‌کنند، اما درباره سینمای خودمان خیلی سختگیر هستند.

۱۲ پیش‌بینی می‌کردید از فیلم‌تان تا این حد استقبال شود؟

همه تلاشم را کردم تا فیلمی عالی برای تماشاگر سینما بسازم. یعنی دنبال تماشاگر سینما بودم؛ تماشاگری که به سینما دلپستگی داشته باشد. فیلم اندازه پرده سینما باشد. جذابیت‌هایی که در سینمای ما کم شده و جایش را به سلبریتی‌هایی داده که برای قشر کمی از مخاطبان جذاب است. متأسفانه فیلم ما در میان همین فیلم‌ها نمایش داده می‌شود- و خیلی سخت است مخاطب باور کند فیلمی نمایش داده شده که جذابیت‌های سینمایی دارد. مطمئن بودم فیلمی ساختم‌ام که خیلی مناسب سینماست و در سالن جمعیتی باید دور هم بنشیند و فیلم ببینند.

۱۲ درباره جایزه بهترین فیلم جشنواره فیلم فجر چه نظری دارید؟
وقتی متوجه شدم چه کسانی فیلم‌هایشان در جشنواره پذیرفته می‌شود همچون آقایان بوزاجمد، حاتم‌کی، میکرمیکی، کمال تبریزی و... کسانی که در نوجوانی خدای سینمای ما بودند یا فیلم‌سازی‌انی از نسل جوان مثل بهروز شعیبی، فکر می‌کردم شناسی ندارم. بنابراین دلم را برای جایزه‌گرفتن صابون زده بودم. اما وقتی اسمم را شنیدم کلی خوشحال شدم که جایزه گرفته‌ام.

شرق: حکم قصاص مردی که متهم است دوستش را به قتل رسانده و جسدش را آتش زده، چون به همسرش تعرض کرده بود، در حالی تأیید شد که جسد مقتول همچنان پیدا نشده است.

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده هشت سال قبل با شکایت خانواده مردی به نام پدرام تشکیل شد. آنها اعلام کردند پدرام کم شده است و خبری از او ندارند. تحقیقات مأموران نشان داد او آخرین‌بار با یکی از دوستان قدیمی‌اش به نام رامین قرار ملاقات داشت. وقتی رامین مورد پرسش قرار گرفت، بدون هیچ مقاومتی به قتل اعتراف کرد و گفت ۱۵ سال قبل پدرام به همسرش وقتی تعرض کرده بود، به هم بالاخره از او انتقام گرفتم، کُشتمش و جسدش را آتش زدم.

هرچند اعترافات متهم منجر به پیداشدن جسدی نشد و ردی هم از اینکه واقعا این قتل اتفاق افتاده باشد به دست نیامد اما با توجه به اعترافات متهم و همچنین پیدانشدن ردی از پدرام و شکایت اولیای دم، کیفرخواست علیه رامین صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ وقت دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده، نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و از آن دفاع کرد و سپس با توجه به درخواست اولیای دم که صدور حکم قصاص بود، درخواست صدور حکم قانونی کرد. سپس، سرپرست متهم در جایگاه حاضر شد و اتهام قتل را قبول کرد و گفت: ۱۵ سال قبل پدرام به همسر من تعرض کرده بود. وقتی همسر امین موضوع را گفت، تصمیم گرفتم پدرام را بکشم. او سال‌ها در آمریکا زندگی کرده و به جرم قاچاق اسلحه از آن کشور اخراج شده بود. پدرام از همسر و فرزندانش جدا شد و به ایران آمد. سال‌ها بود که خانواده‌اش را می‌شناختم و

با خودش هم بعد از بازگشتش به کشور آشنا شدم. رفت‌وآمد ما خیلی زیاد بود. از طریق خواهر پدرام به نام پونه شنیده بودم او مشکلات اخلاقی دارد اما فکر نمی‌کردم با همسرم چنین رفتاری کند تا اینکه یک روز به خانه آمدم و دیدم همسرم مریض شده و او را به بیمارستان برده‌اند. خیلی گریه می‌کرد. از او پرسیدم چه شده است، گفت پدرام به من تجاوز کرده، خیلی با خودم کلنجار رفتم تا پدرام را بکشم. چندباری هم برای قتل او نقشه کشیدم اما نشد. من در قلب خودم او را بخشیدم. آن روز پدرام آمد و گفت پول خواهرزنم را بده، من هم قبول کردم. او سپس ادکلنی از جیبش درآورد و به من گفت این را به همسرت بده. خیلی عصبانی شدم، او هنوز هم به زن من فکر می‌کرد، تیر را از روی

ادعاهای عجیب مردی که مادرش را کشت

مردی ۴۵ساله که با ضربات متعدد جسم سخت، مادر ۶۵ساله‌اش را به قتل رسانده بود، ادعا کرد مادرش با بازگذاشتن شیر فلکه گاز قصد داشته او را بکشد. مأموران کلانتری مجیدیه ساعت ۹:۲۰ صبح پنجشنبه در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت خبر از قتل زنی ۶۵ساله با ضربات متعدد جسمی سخت دادند. پس از این با حضور بازپرس مرادی به همراه تیمی از کاراگاهان امور جنایی اداره دهم پلیس آگاهی در محل کشف جنایت واقع در یکی از خیابان‌های محدوده میدان رسالت، رمزکشایی از راز قتل پیروز را در دستور کار خود قرار دادند.

قاتل که در همان ساعات اولیه اپین رخداد دستگیر شده بود زمانی‌که در برابر بازپرس پرونده قرار گرفت، گفت: شب گذشته درحالی‌که در خانه خواب بودم متوجه بوی گاز شدم. به سراغ فلکه شیر گاز رفتم و فهمیدم مادرم بدون اینکه من بفهمم خانه را ترک کرده است و با بازگذاشتن شیر گاز قصد قتل من را دارد. من در همان لحظه گوشت‌کوب را برداشتم و پشت در خانه کمین کردم تا مادرم برگردد. زمانی‌که او به خانه آمد او را گرفتم و به سمت آشپزخانه بردم و کُشتم.

شواهد ماجرا درباره قتل انجام‌گرفته صحت حرف‌های قاتل ۴۵ساله را اثبات می‌کرد و براساس نظریه تیم پزشکی قانونی حاضر در محل نیز

مردی که در کنار مسافركشی دست به سرقت از خودروها می‌زد،

به اتهام انجام بیش از ۲۰۰ فقره سرقت از سوی پلیس تهران دستگیر شد و اکنون در بازداشت به سر می‌برد. این مرد ۴۶ساله اکنون می‌گوید از کارهایی که انجام داده پشیمان است. او در گفت‌وگویی کوتاه درباره جرمش توضیح داده است.

۱۲ به چه جرمی دستگیر شده‌ای؟

سرقت لوازم داخل خودرو و ضبط و باند.

۱۲ راننده تاکسی بودی و شغل داشتی، پس چرا دست به سرقت زدی؟

با تاکسی باید صبح تا شب در گرما و سرما کلاچ بگیری و دنده عوض کنی تا بتوانی شاید روزی صد هزار تومان دربیآوری. تازه حداقل نصف آن پول خرج خود خودرو می‌شود. با این پول فکر می‌کنید می‌توان خرج زندگی را چرخاند.

۱۲ با پول دزدی می‌توان این کار را کرد؟

نه، به همین‌دلیل هم پشیمانم.

۱۲ چند وقت است دست به سرقت می‌زنی؟

از چهار ماه قبل شروع کردم

۱۲ چند بار مرتکب سرقت شدی؟

درست یادم نیست اما فکر می‌کنم به ۲۰۰ فقره رسیده است.

۱۲ یعنی هر ماه ۵۰ سرقت انجام می‌دای، پس چه زمانی مسافركشی می‌کردی؟

هر وقت در خیابان خودرویی را بدون دزدگیری می‌دیدم کنارش توقف

حوادث

چوبه دار؛ فرجام قتل مردی که جسدش پیدا نشد



دیوار برداشتم و یک ضربه به سرش زدم، بعد هم با تفنگ شکاری تیری به پشتش زدم. متهم گفت: جسد را پشت وانت گذاشتم و به جایی بردم که زباله‌ها را می‌ریختند، آنجا جسد را آتش زدم. او درباره رابطه‌اش با خواهر مقتول گفت: من رابطه با پونه را انکار نمی‌کنم و قبول دارم. راستش من عاشق پونه نشده بودم، فقط او را دوست داشتم و چون همسر و فرزند داشتم، دلم نمی‌خواست رابطه‌ای جدی با او داشته باشم مدتی او سیغه من بود و بعد هم از هم جدا شدیم. من فکر می‌کنم پونه این نقشه را کشیده بود؛ او بعد از جدایی ما همسر را به خانه‌اش برد و بعد هم همه‌چیز را فراهم کرد که برادرش به همسرم تعرض کند.

قصاص برای بررسی ادعای متهم تصمیم گرفتند از

ترکیدگی لاستیک، عامل انفجار تریلر مهمات

انفجار و آتش‌سوزی، ۱۰ تانکر آب برای مهار آتش مصرف شد.
رحمانی گفت: انفجار مهمات تا شعاع ۱۵۰ تا ۲۰۰متری محل حادثه اتفاق افتاد که خوشبختانه تلفات جانی‌ای در پی نداشت و آتش بعد از ظهر پنجشنبه یک دستگاه تریلر حامل مواد انفجاری و محترقه از اتوبان زنجان به سمت تاکستان در حال حرکت بود که دچار سانحه شد. بعد از حادثه عوامل مدیریت بحران و نیروهای پلیس راهور استان وارد عمل شدند و دو محور شمالی و جنوبی اتوبان مسدود شد. گروسی با اشاره به نداشتن تلفات جانی این حادثه گفت: راننده و یکی از عوامل پلیس راهور در این حادثه به‌طور جزئی مجروح شدند. ایوب رحیمی، معاون سیاسی و امنیتی استانداری قزوین، نیز گفت: این کامیون از تبریز به طرف تهران در حال حرکت بود. محمد رحمانی، رئیس آتش‌نشانی شهرستان تاکستان، نیز درباره عملیات مهار آتش این تریلی حامل مهمات نظامی، اظهار کرد: ۱۰ اکیپ از نیروهای آتش‌نشانی در محل حادثه حضور داشتند که شش اکیپ از تاکستان، دو اکیپ از قزوین، یک اکیپ از ضیاءآباد و یک اکیپ از اقبالیه به محل اعزام شدند. رئیس آتش‌نشانی شهرستان تاکستان گفت: بیش از ۳۰ نیروی آتش‌نشانی در محل حادثه حضور داشتند که با توجه به شدت

یک مأمور پلیس به من شک کرد و در بازرسی خودرو، لوازم سرقتی را پیدا کرد. فکر کنم مرا در حال سرقت دیده یا کسی من را لو داده بود. **۱۲ تو با خودرو کار می‌کردی و درآمد خوبی داشتی، چرا دست به سرقت می‌زدی؟**

هزینه‌های زندگی و خودرو بالااست. من لقمه حرام سر سفره زن و بچه‌ام نبرده‌ام. من برای پرداخت قبض جریمه رانندگی، هزینه‌های ماشین و تعویض روغن و لاستیک سرقت می‌کردم و همه پول‌های سرقتی خرج خودرو می‌شد. خرجی خانه را از درآمد تاکسی می‌دادم.

۱۲ ضابط‌های سرقتی را چه می‌کردی؟

آنها را چند روزی در خانه نگه می‌داشتیم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد بعد هم آنها را به یک مال‌خر در حوالی میدان خراسان می‌فروختم.

۱۲ هر ضبط را چند می‌فروختی؟

بستگی به مدل و کارایی آن داشت اما هرکدام را بین صد تا ۲۰۰ هزار تومان می‌فروختم. همه پول‌های به‌دست‌آمده از سرقت را خرج خودرو می‌کردم.

۱۲ می‌دانی چه مجازاتی در انتظارت است؟

فکر کنم حداقل سه سال در زندان باشیم. اما باور کنید من سارق حرفه‌ای نیستم.

۱۲ در این مدت چه بر سر خانواده‌ات می‌آید؟

من می‌خواستم کاری کنم آنها در رفاه باشند، اما حالا آنها به دردسر افتاده‌اند. من در کلاس‌های قرآن زندان شرکت و توبه کرده‌ام. می‌خواهم من را ببخشند تا زودتر بیش خانواده‌ام بروم و گذشته‌ام را جبران کنم.

قتل رفیق در پشت‌بام

چاقویی که داشتم ضربه‌ای به سینه دوستم زدم. رضا غرق خون روی زمین افتاد، ترسیده بودم و فرار کردم. چند ساعتی در خیابان چرخیدم و بعد تصمیم گرفتم از وضعیت او خبر بگیرم به همین‌دلیل به محل جنایت بازگشتم که مأموران به من مشکوک شدند و دستگیر شدم.

با اعترافات عامل جنایت در پشت‌بام، این متهم با دستور سجاد منافی‌آذر، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی، بازداشت و برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره ویژه قتل پلیس آگاهی قرار گرفت.

همسر رامین تحقیق کند. وقتی او در جایگاه حاضر شد، گفت: متأسفانه باید بگویم پدرام به من تعرض کرد. او سپس موضوع را شرح داد و گفت: روز حادثه بعد از اینکه با پونه از پیاده‌روی برگشتیم، به من گفت بیا با هم برویم خانه ما و صبحانه بخوریم، من هم قبول کردم. در اتاق منتظر پونه بودم که بیکاره پدرام آمد و جای آورد، با تعجب پرسیدم تو چرا خانه هستی، پونه به من گفته بود تو نیستی، پدرام جواب داد خودش از پونه خواسته که دروغ بگوید و می‌خواسته با من صحبت کند و بعد هم به من تجاوز کرد. در این سال‌ها به خاطر کاری که مقصرش من نبودم، خیلی اذیت شدم. وقتی همسرم موضوع را فهمید با اینکه من خودم آسیب دیده و خیلی ناراحت بودم مدام با من بدرفتاری می‌کرد. او خیلی من را تنک می‌زد درحالی‌که خودش به من خیانت کرده بود. من با پونه دوست بودم؛ روزهایی که من با پونه به پیاده‌روی می‌رفتم و با او دردلد می‌کردم، او با همسرم رابطه داشت. بعد هم در این میان قربانی من بودم؛ هم مورد تعرض قرار گرفتم هم همسر من را طرد کرد.

با پایان گفته‌های متهم هیات قضات وارد شور شدند و متهم را با توجه به اعترافاتی که مقرون به واقع تشخیص داده شد، به قصاص محکوم کردند. اما این رای در دیوان‌عالی کشور تأیید نشد و قضات اعلام کردند باید برای پیداشدن جسد تحقیق بیشتری شود. با توجه به ایراد وارده، متهم یک بار دیگر پای میز محاکمه رفت و گفته‌های قبلی خودش را تکرار کرد. او با پافشاری گفت که مرتکب قتل شده است و علتش هم تعرض بوده که به همسرش شده است. یک بار دیگر هیات قضات رای قصاص صادر کردند و این بار شعبه ۳۹ دیوان‌عالی کشور رای قصاص را تأیید کرد.

رخداد

دستگیری بیش از ۵۰ دختر و پسر در بارتی شبانه

● رئیس دادگستری شهرستان دماوند از دستگیری بیش از ۵۰ دختر و پسر در بارتی شبانه‌ای در شهر آبسرد خبر داد. به گزارش تسنیم، مجتبی محمدی اظهار کرد: برپاکندنگان اپارتی از طریق شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی اقدام به دعوت از افراد مختلف برای حضور در این جشن کردند. رئیس دادگستری شهرستان دماوند تصریح کرد: مأموران انتظامی پس از رصد فضای مجازی و بررسی‌های لازم، با اخذ دستور قضائی اقدام به دستگیری اعضای آن کردند. محمدی گفت: همچنین ۲۵ لیتر مشروبات الکلی هم از این جشن کشف شد که پرونده قضائی تشکیل و در حال رسیدگی است.

اسیدپاشی مرگ‌بار

● مرد جوانی که در زایل با اسیدپاشی از سوی افراد ناشناس مواجه شده بود، بعد از ۲۴ ساعت جدال با مرگ تسلیم شد. چهارشنبه‌شب اهالی خیابان طالقانی شهرستان زایل با صدای سوختم، سوختم مرد جوانی به خیابان رفتند و راننده خودرویی را دیدند که پشت فرمان، صورت و بدنش با اسید سوخته است. اهالی بلافاصله موضوع را به پلیس و اورژانس اطلاع دادند. دقایقی بعد تکنیسین‌های اورژانس و مأموران پلیس در محل حاضر شدند. مرد جوان که به‌شدت دچار سوختگی شده بود، مدعی ناشناس به خودروی وی نزدیک شده و روی او اسید ریخته و متواری شده است. با انتقال راننده خودرو به بیمارستان، تلاش برای نجات جان او آغاز شد اما مرد جوان به نام مهران پس از ۲۴ ساعت جدال با مرگ، به علت شدت جراحات ناشی از سوختگی با اسید، جانش را از دست داد. با مرگ مهران پرونده وارد مرحله جدیدی شد. درحال‌حاضر تیم‌های ویژه پلیس با شناسایی چند مظنون، تحقیقاتشان را برای دستگیری اسیدپاش‌ها آغاز کرده‌اند.

نجات ۱۲ نفر از حریق ساختمان مسکونی

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران از نجات ۱۲ نفر در پی وقوع حریق در یک ساختمان شش طبقه مسکونی، خبر داد. سیدجلال ملکی گفت: وقوع حریق در یک ساختمان مسکونی در ساعت ۱۲:۱۲ پنجشنبه به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد و به دنبال آن، ستاد فرماندهی آتش‌نشنان دو ایستگاه را به همراه بالابر، تشک نجات و تجهیزات مخصوص به محل حادثه واقع در ۳۰ متری نیروی هوایی اعزام کرد. وی افزود: پس از حضور آتش‌نشنان مشاهده شد حریق در یک ساختمان شش طبقه ۱۰ واحدی رخ داده و ن کاشون آن، واحدی صدتری در طبقه چهارم این ساختمان است و شعله‌های آن در حال سرایت به واحدهای دیگر بود. ملکی با بیان اینکه آتش‌نشنان هم‌زمان عملیات نجات و اطافی حریق را آغاز کردند، گفت: تعدادی از ساکنان این ساختمان به بالکن رفته بودند و نمی‌توانستند از ساختمان خارج شوند که یک گروه از آتش‌نشنان وارد عمل شد و به‌عملیات نجات را آغاز کردند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران با بیان اینکه دود زیادی طبقات ساختمان را فراگرفته بود، ادامه داد: هم‌زمان با اطافی حریق، عوامل آتش‌نشانی پنج نفر از اهالی ساختمان را نجات داده و چهار نفر را نیز با استفاده از نردبام هیدرولیکی از ساختمان خارج کردند. همچنین سه نفر از ساکنان نیز در طبقه پنجم گرفتار شده بودند که پس از انتقال به پشت‌بام توانستند از طریق ساختمان مجاور، محل حادثه را ترک کنند. وی با بیان اینکه علت این حادثه در دست بررسی است، گفت: عوامل آتش‌نشانی اسرآنجام پس از ایمن‌سازی محل و اطافی کامل حریق در ساعت ۱۴:۱۴ به عملیات خود خاتمه دادند.

مرگ کارتن‌خواب در تصادف

● رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ از تصادف مرگ‌بار یک دستگاه پژو پرشیا با عابر پیاده در بزرگراه همت خبر داد. سرهنگ مراد مرادی گفت: حوالی ساعت ۲۰:۴ پنجشنبه یک دستگاه سواری پژو پارس در حال حرکت در مسیر غرب به شرق بزرگراه همت در محدوده بل مدرس بود با یک عابر پیاده که در حال عبور از عرض بزرگراه بوده است، برخورد کرده است. وی با بیان اینکه عابر پیاده مردی حدوداً ۵۰ساله و مجهول‌الطهوی است اظهار کرد: شواهد نشان می‌دهد این فرد کارتن‌خواب بوده و به همین دلیل هویتش مشخص نیست. رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ با اشاره به حضور عوامل اورژانس در محل گفت: بررسی علانم حیاتی نشان داد این فرد به دلیل شدت جراحات وارده در دم جان خود را از دست داده است. مرادی درباره علت این حادثه نیز گفت: بررسی کارشناسان پلیس راهور نشان می‌دهد که ترکیب و تقارن دو خطا علت این حادثه بوده و عابر پیاده به دلیل عبور از عرض بزرگراه و راننده خودروی سواری به دلیل بی‌توجهی به جلو، هرکدام به میزان ۵۰درصد مقصر این حادثه هستند. وی از عابران پیاده خواست برای عبور از عرض معابر از گذرگاه‌های عابر پا‌های عابر عبور کنند و رانندگان نیز حین رانندگی به مسیر مقابلشان توجه داشته باشند.